

شرق در ادبیات قرون هجدهم و سدهم فرانسه

شناسایی شرق در نیمه قرن هجدهم

(۳)

بیر مارتینو

— نخستین سیاحان (تا حدود سال ۱۶۶۰)، ملاحظات آنان در مقتضیات و شرایط نامطلوب و معیوب صورت گرفته است، تصویر نارسایی که از شرق به دست می‌دهند. نخستین کسانی که به شرق سفر کردند چگونه مردمی بودند؟ اینان ناخدایان کشتی‌ها، قاچاق‌چیان، و ماجراجویانی بودند که کنجکاوی و شورطلب و ذوق دریافت و شناخت نداشتند و همه فکر و ذکرشان متوجه نحوه گذشتن از موانع و مشکلات و جستن از دام خطرات و مهلکات یاسودجویی و سوء استفاده از حسن نیت بومیان بود. ملاحظات این افراد در همه موارد ناقص، ناتمام و نادرست است. بنابراین شگفت‌آور نیست که این سفرنامه‌ها، نه در جزئیات بی‌اهمیت، بلکه در اصول مثلاً در باب خصایل و صفات یک ملت آشکارا متضاد و متناقض‌اند، زیرا آگاهی نویسندگان از زندگی غربی (Exotique) یعنی از آنچه مربوط به مردمان آن سرزمین می‌شد، بسیار ناقص بود و در واقع آنان اندیشه‌های شبیه به اندیشه‌های خود و به طور کلی آن قسمت از زندگی بومیان را که نزدیک به زندگی فرانسویان بود می‌دیدند و در می‌یافتند و برعکس و به عمد بینش‌های بسیار بدیع و احساسات و عواطف بسیار غریب را نادیده می‌گرفتند و یا دست‌کم آنها را به رنگی آشنا و کمتر چشمگیر درمی‌آوردند. به همین دلیل روایات آنان پراز جزئیات دربارهٔ دربار، حکومت و تشکیلات اداری کشورهای آسیایی است، چون از یافتن مناظری شبیه آنچه در موطن خویش می‌شناختند، به شوق و وجد می‌آمدند. یک تن از آنان می‌نویسد: «تنها چیزی که می‌توانم دربارهٔ ادب و مهربانی درباریان، شاه و اشراف بگویم اینست که دربار ایران سخت شبیه و نزدیک به دربار فرانسه است و اشراف آن سرزمین چه از لحاظ خوش‌آمیزی و آداب‌دانی و چه از لحاظ ظرافت و رعنائی به غایت مهذب و تربیت یافته و متمدن‌اند. آنان چون فرانسویان به صدای بلند سخن می‌گویند و اهل طنز و ریشخند و خوش‌تعارف‌اند».

(R.P. Pacifique, Relation du voyage en Perse, Paris, 1631.)

مردم به این شرقیانی که چنین شبیه به خود می‌یافتندشان دل بستند، اما بعداً خاصه کنجکاو شدند تا وجوه اختلاف میان خود و آنانرا از لحاظ آداب و رسوم و قومیت و تژاد بدانند. معهدا با وجود همه این نقایص و نارسایی‌ها، در حدود سال ۱۶۶۰ پیدایش نظری دربارهٔ شرق هر چند بصورت بسیار ابتدائی آغاز شده بود و از ورای همه تناقض‌گویی‌ها و تضادها و اختلافات جزئی این نظر که شرقی به رغم داشتن بعضی غرابت‌ها در زندگی و نیز

خرافاتی عجیب ، آدمی به غایت دوست داشتنی و سخت اهل عشق و کامرانی است ، درخشیدن گرفت و اگر درست توجه کنیم درمی یابیم که این مفهوم به همان شکل کلی و مجمل ، استخوان بندی سنت ادبی درباره شرق بوده است . شناخت ریشه این نظر کاری آسان است : در واقع مسافران نمی توانستند از کشوری که غالباً در آن با شوقمندی بسیار پذیرفته شده بودند و خوشی های آسان یابی که معمولاً کشتی رانان در توقف های کوتاه مدت در بنادر شرق می یابند ، چشمپوشی کردند ، به نوعی دیگر سخن گویند .

– از سال ۱۶۶۰ تا ۱۷۵۰ تعداد سفرنامه ها افزایش می یابد و شرق شناسی پیشرفت می کند . در حدود سال ۱۶۶۰ ناگهان سفرنامه ها به دو برابر تعداد پیش از آن تاریخ رسید و از آن پس عنایت و التفات مردم به اینگونه تألیفات همچنان افزایش یافت . قریب به یک قرن – حدود سه ربع قرن از ۱۶۶۵ تا ۱۷۴۵ – تعداد قابل ملاحظه ای سفرنامه منتشر شد و در دسترس خوانندگان قرار گرفت . این امر تأثیری آنی در تکوین و تشکّل ذوق غرابت جویی داشت . هند در وهله نخست و پس از آن ترکیه و ایران کشورهای هستند که مردم علاقه مند به دانستن اخبار و شناخت آنها شدند . در این دوره تاورنیه ، شاردن و برنیه ظهور می کنند . بعضی کتابهای اساسی در این عصر به چاپ رسیده است (که از آن جمله اند مؤلفات زیر خاصه مربوط به ایران) :

Daulir Deslandes, Beauté de la Perse, 1673.

Tavernier, Voyages en Turquie, en Perse et aux Indes, 1676.

Chardin, Voyages en Perse et aux autres liux de l'Asie, 1686.

Fr. Bernier, Voyages (Indes), 1699.

اما در آغاز قرن هجدهم این علاقه مندی فروئی می گیرد : تألیف و انتشار اینگونه سفرنامه ها ناگهان سه یک افزایش می یابد و خاصه میان سال های ۱۷۱۰ و ۱۷۳۰ به حد وفور می رسد . در این دوران هند همچنان با اختلاف زیاد مقام اول را داراست ، ترکیه اندکی مهجور و متروک مانده و عقب رفته است ، ایران صاحب همان مرتبت پیشین خود است ، اما ژاپن و خاصه چین که تا آن زمان از آنها نام و نشانی نبود ، آبرومندان به این جمع می پیوندند . چنین بنظر می رسد که دوران سفرهای بزرگ سپری شده است و دیگر کسانی هم ردیف شاردن و برنیه نمی شناسیم ، اما مجموع سفرنامه های این دوران کمتر از تألیفات قرن گذشته درخور ملاحظه و تقدیر نیست .

در سال ۱۷۴۶ چاپ تألیفی عظیم به نام تاریخ عمومی سفرها در بیست جلد که هر دو سال یک مجلد آن انتشار می یابد آغاز می شود (پاریس از ۱۷۴۶ تا ۱۷۸۹) . از تاریخ چاپ این تألیف به بعد ، چاپ سفرنامه ناگهان از رونق و رواج می افتد و تعداد آنها به دو سوم تعداد پیشین تقلیل می یابد ، و دیگر سفرنامه هایی که بتواند توجه مردم را که سرانجام ازین قبیل تألیفات خسته شده بودند ، به خود جلب کنند انتشار نمی یابد . طی این ۸۰ سال قریب به ۱۵۰ سفرنامه به چاپ رسیده بود (و با حذف تجدید چاپها در حدود ۱۰۰ سفرنامه) و ترکیه و ایران و هند و چین و سیام را به ترتیب معرفی کرده و شناسانده بود . مردم از طریق این سفرنامه ، معلومات و آگاهی های استواری کسب کردند ، نه فقط به این علت که انبوهی سفرنامه به چاپ رسید ، بلکه خاصه از اینرو که سفرها با دقت و مراقبت تمام انجام گرفته و با نهایت دقت و وسواس نقل و روایت شده است . روایات سیاحتگران معتبر و بصیر و خبیر و آگاه و هوشیار که اصل ونسبی دارند و به شوق ماجراجویی و اندوختن زر و خواسته و مال و ثروت به شرق سفر نمی کنند ، سرشار از اطلاعات درست و سودمند است . برنیه که دوست راسین و بوآلو و مولیر و لافنتن و خود طیب و نویسنده و فیلسوف بود ، نمونه تمام عیار مسافر و سیاحتگر نوین است . برنیه پیش از ولتر جوای آنست که از شرق بهره و نصیبی فلسفی ببرد . باری این مسافران با فضل و ادب برخلاف ماجراجویان پیش دست کم زبان مردم

مملکتی را که به آن سفر می‌کنند می‌دانند و به علاوه مردمی با دانش و فرهنگ و اهل مطالعه و تحقیق و ناظرانی دقیق و کنجکاوند و نیز به سبب آنکه مدتی مدید در ممالک شرقی زیسته‌اند، برخلاف پیشینیان که مدت اقامتشان در شرق بسیار کوتاه بود، ملاحظات و مشاهداتشان سرسری نیست. ژان ژاک روسو در : *Discours sur l'origine et les fondements de l'inégalité*. می‌گوید : «شاردن جواهر فروش که چون افلاطون سفر کرد ، چیزی ناگفته درباره ایران باقی نگذاشت». باری اگر این کتب معتبرند و از احوال و افکار شرقیان به درستی سخن می‌گویند و خبر می‌دهند ، از اینروست که قصد نویسندگان نقالی و قصه‌گویی و سرگرم کردن خواننده نیست . برخی از آنان چون برنیه محققان و تاریخ‌نگارانی گرانقدرند . نتیجتاً همه مسافران پایان قرن هفدهم و آغاز قرن هجدهم مانند برنیه ، اما البته نه همه با همان شایستگی ، تنها به مطالعه و ملاحظه و ذکر مطالعات خود بسنده نمی‌کنند ، بلکه درباره آنچه دیده‌اند ، می‌اندیشند ، حکم و قضاوت می‌کنند و وظیفه خود می‌دانند که استنتاجات خویش را نیز بگویند .

— آدم شرقی از دیدگاه مسافران : وفور جزئیات درباره عشق ، پیدایش تصویر شرقی شهوت‌دوست و کامران

از دولت سفرنامه‌ها آدم شرقی با خصوصیات بسیار دقیق و در ذهن اروپائیان نقش می‌بندد. مسافران پیشین هیچگاه مردم شرق را به دقت وصف نکرده بودند و آنچه در این باره گفته بودند کلیاتی بود که جنبه و رنگ و نگاری عجیب و غریب نداشت و این خود بدین علت بود که در شرق بسیار کم زیسته بودند .

به موجب روایات سیاحتگران معتبر شرقی انسانیت زیبا ، به غایت اهل طنز و بذله‌گو ، با تخیلی قوی و هوشیار ، اودوستدار افتخار و بلندنامی است و از عجب و خودنمایی شرافتمندانه بری نیست . از این گذشته چنانکه شاردن گفته : «خوش‌آمیز و ظریف ، مهربان ، مهذب و مودب» است . بنابراین چنین می‌نماید که نژاد آسیایی به غایت اهل معاشرت و مراوده و حشروشر و خلاصه سخن ، اجتماعی است و مسافران به طیب خاطر خرسندی و رضایت خود را از پذیرائی و استقبالی که بیشتر اوقات از آنان شده است اظهار می‌دارند و بشردوستی ، میهمان‌نوازی و تسامح و مدارای مردم آسیا در امور مذهبی را می‌ستایند . شاردن می‌نویسد : «ستودنی‌ترین خوی و عرف ایرانیان مهربانی و مردمی آنان با بیگانگان است و از این گونه است پذیرائی و استقبال و حمایت و پشتیبانی‌ای که از بیگانان می‌کنند ، میهمان‌نوازی آنان که هیچ‌کس از آن بی‌نصیب نمی‌ماند ، و تسامح‌شان در باب مذاهبی که آنان نادرست می‌دانند و حتی هراسناک و نفرت‌انگیز می‌پندارند» ، و چنانکه خواهیم دید آسیایی مداراجو و آسان‌گیر در امور مذهبی و چینی فیلسوف در قرن هجدهم به صورت افکار و مطالب مسلم و قطعی رواج خواهد یافت .

مسافران از آزمندی راهبان بودایی (Bonze) ، مکر و حيله‌های زننده و ناهنجاری که Talapoin های سیامی برای تحمیل سلطه و قدرت خود به کار می‌زنند ، شیادی و حقه‌بازی‌های شگفت‌انگیزی که مرتاضان هندی برای هراساندن هندیان زودباور و ساده‌لوح به کار می‌برند ، سخن گفته‌اند ؛ و چندی بعد وقتی غرض بدگویی از جامعه روحانی مسیحی و کلیسا و دست‌انداختن آنها در میان است ، به شرح و وصف کارهای ناشایست و قبیح راهبان بودائی بازمی‌خوریم و می‌بینیم که آندو مشابه و همانند جلوه داده شده‌اند .

مسافران جای جای ، مشابهت‌های معتقدات ایرانیان مثلاً با معتقدات مسیحیان را با علاقه و دقت باز نموده‌اند و البته این کار را نه از روی شیطنت و سوء نیت بلکه به سائمه شگفتی زاده از ملاحظه یا تصور اینگونه همانندی‌ها کرده‌اند . آنان شباهت‌های جزئی را یادداشت

می‌کردند، اما اندیشمندترین خوانندگانشان قهراً می‌بایست به برقراری مقارنه میان معتقدات دوقوم تمایل یابند و کشیده شوند. از این طریق ممکن بود محیلانه شك و بدبینی در اذهان برانگیخت و از آن در راه نیل به مقصود خود سود برد. فلاسفه قرن هجدهم و خاصه ولتر این شیوه را مکرر به کار برده‌اند.

اما آنچه بیش از خصوصیات اخلاقی ترکان و نوع حکومت ایرانیان در سفرنامه‌ها به ویژه توجه خوانندگان را به خود جلب کرد، اطلاعات مربوط به عشق و عشق‌بازی در مشرق زمین، طرز تلقی شرقیان از عشق و چگونگی عشق‌بازی و عشق و عاشقی آنان بود. مسافران در این شرق افسون‌گر، عشق‌های شدید زودگذر آسان‌بایی یافته بودند که در کتابهای خود با آب و تاب شرح داده و نیز از وضع و موقع زن در شرق، خواجه‌های حرمسرا، شهوت‌رانی بعضی آنان با زنان حرم سخن گفته‌اند. این عشق‌بازی‌ها به ویژه چون در مقتضیات و شرایطی سخت و دشوار انجام می‌گرفت، در خاطر مسافران اثری پایدار و ماندگار به جا می‌گذاشت و این امر یعنی دشواری کار آنانرا به نقل ماجراهای عشقی تحریض می‌کرد. مسافران خاصه این نکته را متذکر می‌شدند که زنان حرم به مردم مسیحی و خاصه فرانسویان عنایت و التفات خاص دارند. از اینرو شاهین خیال خوانندگان فرانسوی که توسط سیاحتگران از مراسم ازدواج و طلاق و صیغه کردن شرقیان اطلاع می‌یافتند، بیشتر به سوی حرامسراهای خصوصی و پرده‌های سلاطین که آنان از دولت مسافران رخصت یافته بودند نگاهی گستاخانه به‌دروشان بیفکنند و خلوت آن حریم انس را آشفته و پریشان سازند، پرواز کرد. این نوشته‌ها مایه سرشاری به دست بعضی نویسندگان رمان‌های رکیک و مستهجن داد و موئتسکیو و بسیاری دیگر از این مضمون پرغناي حرمسراهای شرقی بهره بسیار بردند. رکسان (Roxane) درنامه‌های ایرانی موئتسکیو در قید وفاداری نسبت به اوزبک نیست و خواننده با خواندن بسیاری از بخش‌های کتاب شاردن یا ورنیه تقریباً چنین می‌پندارد که رمان شرقی را که در نامه‌های ایرانی جایی شامخ دارد، در مطالعه گرفته‌است.

باری با وجود آنکه زنان حرمسرا به دقت تمام حراست و نگاهبانی می‌شدند، باز شوهران خویش را فریب می‌دادند و حاصل این فریبکاری همیشه قتل و خونریزی بود. اما این درام‌های عشقی که بوی خون و مرگ می‌داد برقدر و مقام و شأن شامخی که تصور شرق غرقه در عیش و کامرانی، در ذهن فرانسویان داشت می‌افزود. باوجود این همه جزئیات و دقیق درباره مسایل عشقی شرقیان و نیز اصرار و تأکید که نویسندگان مکرراً در ذکر این گونه مطالب به شرح و تفصیل داشته‌اند، شگفت‌آور نیست که تصور سرزمینی به غایت شهوت طلب و کامران، عنصر اصلی سنت ادبی درباره شرق بدانگونه که از خلال سفرنامه‌ها پیداست، شده باشد. وانگهی این تصور چنان موافق با بعضی گرایش‌ها و خواست‌های عمومی ذهن آدمی و تشفی‌بخش آنهاست که مردم آسان به آن اعتقاد می‌کنند و مردمان قرن هجدهم نیز به ویژه شوقمندان آنرا باور کرده چون حقیقتی مسلم پذیرفتند. شرق مایه سرشار ادبیاتی کم‌ویش اروتیک چه در زمینه تئاتر و چه در قلمرو رمان شد. «پیش‌داوری» به گفته ولتر قوت گرفته بود و به رغم تأکید و هشدار برخی که چنین مفهومی و تصویری «تهمت و افترا»یی بیش نیست (ولتر)، هیچ‌کس نمی‌خواست منکر آن شود. اثرات این نظرها در آثار ادبی زیر می‌توان باز شناخت:

Illusion Comique از کرنی و خاصه در Bajazet, Matamore از راسین، و خاصه در Confessions, Roxane از ژان ژاک روسو. این سخن ژان ژاک روسو: «حسود به‌مانند ترکان» (Jaloux comme un Turc) که در اعترافات آمده، اصطلاحی عام و معمول شد. باز از روسو است اصطلاحات: «چشمان بزرگ سیاه شرقی‌وار»، «در میان حرمسرای حوریان» (اعترافات). وقتی روسو می‌خواهد زیبایی خارق‌العاده زن نجیب‌زاده و زیبای ونیزی را بستاید، از تصاویر

و تعابیر عشقی و شهوانی شرق یاری می‌گیرد .
Ballade "sur le mal d'amour" از لافتنن .

- اشتباهات و نارسایی‌های این شناسایی ، ضرورت وجود منابعی دیگر

بزرگترین علت و سبب اشتباهاتی که همه مسافران قهرآ مرتکب شدند تعمیم شتابزده ، که کاری خطرناک‌است ، بود . به گفته ولتر در کتاب Essai sur les Moeurs (نظری به طبایع) که در آن به اشتباهات سیاحتگران اشاره می‌کند ، مسافران « غالباً موردی خاص را به جای موردی عام گرفتند » و به این علت اساسی ، شرق ادبی در قرن هجدهم غالباً شرقی ساختگی است . نقش و تصویری که مسافران از شرق رقم زدند ، سخت ناقص و نارساست و آئینه تمام نمای همه کشورهای آسیایی نیست . آنان در واقع فقط هند و ایران را شناساندند نه شرق را . به ترکیه بسیار ندرتاً سفر شد تا آنجا که گویی هیچ سفری نشد ، و به نزد اعراب کسی نرفت ، از ژاپن هیچ خبری در دست نبود و از چین نیز تقریباً هیچ نمی‌دانستند . بدینگونه به طور کلی آگاهی‌ها منحصر به ممالک ساحلی بود . مهمذا ترکان ، اعراب و چینیان برای فرانسویان در قرن ۱۸ ناشناخته نبودند ، اما فرانسویان اطلاعات خاص مربوط به آنانرا از راهی دیگر به دست آوردند و در پی آن بینش درباره شرق که در آغاز تقریباً منحصر و محدود به هند و ایران بود ، اندکی تغییر و خاصه گسترش یافت . با اینهمه مسافران نخستین بار پرده از شگفتی‌های شرق برداشتند و قدیم‌ترین اطلاعات و معلومات درباره شرق حاصل کار و زحمت آنانست و بنابراین پایه یا هسته اصلی سنت ادبی درباره شرق را آنان بنیان نهاده و فراهم آورده‌اند .

ترجمه و تلخیص از جلال ستاری

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مجمع علوم انسانی

